

نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی پایدار محلی (مورد مطالعه: محله‌ی نارمک تهران)

محسن احدنژاد روشنی^۱، وحید یاری قلی^۲، روح الله اوجاقلو^۳

چکیده

گسست در ساختار فضایی - اجتماعی شهرها در روند برنامه‌های توسعه‌ای حاضر، رشد فزاینده شهرنشینی و تغییر در ماهیت و پیچیدگی مسائل شهری، موجب ناکارآمدی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در مقیاس کلان شده است. این امر ضرورت توجه به سطوح پایین‌تر و داشتن نگاه از پایین به بالا را به منظور حل پایدار مسائل شهری، بیش از پیش آشکار ساخته است. در این راستا توجه به سرمایه‌های اجتماعی به عنوان دارایی که در میان اجتماعات این سکونتگاه‌ها جاری است، راه حلی مناسب برای دستیابی به مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار این محلات به شمار می‌آید. هدف پژوهش حاضر تبیین توسعه‌ی پایدار محلی و مؤلفه‌های آن و تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان رویکرد دارایی - مبنا در دستیابی به پایداری در سطح محله‌ی نارمک تهران است. روش‌شناسی تحقیق، رویکرد کمی - تحلیلی است. در بخش مبانی نظری و ادبیات موضوع از روش اسنادی استفاده گردید و از روش‌های میدانی و پیمایشی مانند تهیه‌ی پرسش‌نامه استفاده شده است. برای برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر از ساکنان محله‌ی نارمک با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی برای توزیع پرسشنامه انتخاب شدند. فرضیه‌ی تحقیق بر این استوار است که بین سرمایه‌ی اجتماعی موجود در اجتماعات محلی و

ahadnajad@gmail.com

v.yari26@gmail.com

R.ojaghloo@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۱۰

^۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان

^۲ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان

^۳ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه زنجان

تاریخ وصول: ۹۳/۱/۲۵

توسعه‌ی پایدار محلی ارتباط معناداری وجود دارد. شاخص‌های مورد بررسی از مطالعات و تجربیات داخلی و خارجی استخراج گردید و با روش پیمایش و تحلیل پرسشنامه در محله‌ی نارمک شهر تهران مورد سنجش قرار گرفته است. برای تعیین ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار از آزمون همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی استفاده گردید. نتایج پژوهش بیانگر این امر است که مقدار ضریب پیرسون در بین تمامی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار بیش از ۰/۹۲ است. که این امر بیانگر رابطه‌ی مثبت و معناداری میان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی است.

واژگان کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی پایدار محلی، محله‌ی نارمک

مقدمه

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدیدی از رشد شهری در طی چند دهه‌ی اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل جامع‌نگری و توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف مسأله به منظور حل پایدار آنها را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در این میان تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است (فریدمن، ۱۹۹۳)؛ چنانکه پژوهش‌ها و مطالعات زیادی در یکی دو دهه اخیر صورت گرفته است که همه به نوعی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را از خُردترین واحد یعنی محله در شهر هدف قرار داده است (مدنی‌پور، ۲۰۰۳).

محلات شهری به عنوان حلقه‌ی واسط میان شهر و شهروندان که در گذر زمان دارای نقش اساسی در شکل‌دهی و سازماندهی امور شهری بوده و با ارائه‌ی خدمات روزمره القاگر احساس تعلق و هویت، روابط اجتماعی و... در میان ساکنان بوده است، امروزه در برنامه و طرح‌های مختلف شهری نقش کم اهمیتی دارد. آنچه در این میان روشن است، ناکامی برنامه‌ریزان شهری است که با غفلت از مسائل اجتماعی و فرهنگی سعی در حل این معضلات رویکردی صرفاً کالبدی اقتصادی داشته‌اند. تأملی در تجربیات گذشته جهان

و بسیاری از تجربیات شهرسازی در کشورمان، نشان داده است که نمی‌توان با نگاهی متمرکز و در قالب نقشه‌های مختلف (کاربری، تراکم و ...) در حل این معضلات موفق شد. بدین منظور جنبش توسعه‌ی محله‌ای، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد یعنی محله هدف قرار داده است. این جنبش در چارچوب توسعه‌ی پایدار شهری، محله‌ها و سلول‌های شهری را واحد برنامه‌ریزی قرار داده و در این راستا عمدتاً در ابعاد اجتماعی، ظرفیت‌های موجود در محله‌ها و سرمایه‌های اجتماعی را ترکیب می‌نماید. نتیجه‌ی این توجه شکل‌گیری رویکردهای مختلف از جمله برنامه‌ریزی محله - مبنا و دارایی - مبنا در عرصه‌ی برنامه‌ریزی شهری است. در کشور ما نیز با توجه به تجربیات گذشته و همچنین نابسامانی حیات شهری (بویژه کلانشهرها)، در وضع موجود برنامه‌ریزان و مدیران شهری را ناگزیر از توجه به برنامه‌ریزی در مقیاس‌های خرد در قالب واحدها و سلول‌های شهری یعنی محله‌ها نموده است، زیرا در این صورت است که می‌توان ابعاد مختلف زندگی شهری را به شکل ملموس مورد بررسی قرار داد و با برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از منابع محلی به شاخص‌های توسعه‌ی محله‌های شهری دست یافت، محله‌هایی که در پیوند با یکدیگر شهر را تشکیل می‌دهند. در ارتباط توسعه‌ی محله‌ای با توسعه‌ی پایدار شهری، در الگوهای جدید، دیدگاه خردنگر مبتنی بر مهندسی اجتماعی جایگزین نگرش کلان می‌شود که در آن حل مسائل شهری از کوچکترین واحد یعنی محله آغاز می‌شود. البته این موضوع بدان معنا نیست که بار دیگر رویکردهای بالا به پایین را این بار در مقیاس‌های خرد انتخاب نماییم، بلکه رویکرد محله مبنا که نگاه و مبتنی بر مهندسی اجتماعی است به جای نگرش "پایین به بالا" سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت در آن کلان و مقیاس‌های ذهنی با رجوع به عینیات به مقیاس خرد محلی می‌پردازد. این رویکرد در پی شناخت توانایی‌ها و ویژگی‌های محله‌ها و ناحیه‌های شهری است که در پس فرضیات قراردادی کلان و شهر مقیاس، پنهان و یا فراموش شده است (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۹). این رویکرد که با نگاهی مدیریتی مبتنی بر توانمندسازی به حل مشکلات می‌پردازد که خود دارای دو نگرش نیاز

- مبنای و دارایی - مبنای است. نگرش نیاز - مبنای، نیازهای هر اجتماع محلی را مبنایی برای توسعه قرار داده و از این رهیافت به بومی‌سازی روشی متناسب از میان روش‌های توسعه می‌پردازد. در نگرش دارایی - مبنای، منابع انسانی، کمیت و کیفیت روابط و مشارکت ساکنان محلات در قالب "سرمایه‌ی اجتماعی" ابزارها و عواملی برای "توسعه‌ی محلی" به حساب می‌آیند (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۱۰). انتخاب "محله" به عنوان پهنه‌ی "فضایی نهادی" برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت به عنوان واکنشی در جهت یکپارچه‌سازی اجباری مطرح شده است و طبعاً در این واکنش برنامه‌ریزان به مشارکت جدی مردم در برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر هویت محله‌ای معتقد شده‌اند (الوانی، ۱۳۸۱: ۳). به نظر می‌رسد با توجه به ابعاد فیزیکی و اجتماعی محله به عنوان یک سلول و واحد شهری که اساس و شالوده‌ی سازمان کالبدی - اجتماعی شهر را تشکیل می‌دهد، دست یافتن به این ثروت پنهان (سرمایه‌ی اجتماعی) در جهت توسعه‌ی محله‌ای و در نتیجه توسعه‌ی شهر در ابعاد کالبدی - اجتماعی اقتصادی و ... از سهولت بیشتری برخوردار باشد (موسوی، ۱۳۸۵: ۵۹). این دیدگاه و قالب کیفی‌نگر آن، که پذیرش مشارکت مردم محله را از ارکان اصلی خود می‌داند، نوعی بازگشت به اصالت‌های ملی و دینی سرزمین اصلی نیز هست که در آن در وهله‌ی اول میان محلات برخوردار و نیمه‌برخوردار، حاشیه‌نشین و ... تفاوتی قائل نشده است، به گونه‌ای که تأکید بر توسعه‌ی محله‌ای مربوط به تمامی محلات است و نه فقط محلات محروم.

اهمیت تحقیق

تمرکز توسعه در شهرها و توجه به مفاهیم کالبدی و هندسی صرف و غفلت از اهداف اجتماعی در توسعه‌ی شهرها، شهرها را با چرخه‌ی نامطلوبی از عدم تعادلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی روبرو کرده و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را مانند: فقر، اسکان غیررسمی، تعارضات فرهنگی، نزول کیفیات زندگی، از هم‌گسیختگی‌های اجتماعی، تضعیف نهادهای محله‌ای و ... فرا روی آنها نهاده است (رضویان، ۱۳۸۱: ۳۲-۲۸). آنچه

¹ - Need ° Based

² - Asset ° Based

در این میان مورد اتفاق است، ناکامی نگرشهای کلان مقیاس و صرفاً کالبدی شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری در حل مشکلات نهادی شهرهاست؛ اما آنچه بدیهی می‌نماید این است که حل این معضلات نیازمند نگاهی خردنگر و کوچک مقیاس و توجه به ظرفیت‌ها، منابع و نگرش‌ها و سرمایه‌های مردمی است تا از این طریق با بازنگری ضعف‌ها، توانایی‌ها، امکانات و محدودیت‌های موجود راهکاری مناسب جهت برون‌شدن از این معضل ارائه شود.

پیشینه‌ی تحقیق

الگوی توسعه‌ی محله‌ای نیز در قالب نگرشهای سنتی در شهرسازی سابقه‌ای دیرینه دارد، در دوره‌های اخیر بویژه در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، بسیاری از نظریه‌پردازان شهری، رویکرد مجددی را به بازآفرینی کارکردهای "محله مقیاس" مورد تأکید قرار داده‌اند (هودسن: ۱۳۸۴، ۱۵).

تجرباتی نظیری تجربه "جین جیکوبز" و "پانتام"، به گونه‌ای درباره‌ی اثرات سرمایه‌ی اجتماعی در بهبود جوامع محلی بحث کرده است.

"عارفی" (۲۰۰۴)، نیز رویکرد دارایی - مبنا را در توسعه‌ی اجتماعات محلی شهرلس آنجلس مورد استفاده قرار داده، موفقیت این رویکرد را در افزایش تمایل به مشارکت شهروندان و حس تعلق ساکنان می‌داند و بر شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند.

موسوی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان تحلیل فضایی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری در شهرهای استان آذربایجان غربی، به سنجش شاخص‌های توسعه‌ی پایدار و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری در آذربایجان غربی به میزان ۰/۶۷ با سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. نویسندگان در این پژوهش این نکته را عنوان می‌کنند که توسعه از طریق ابعاد متعدد خود (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) سرمایه‌ی اجتماعی را محقق می‌کند. از سوی دیگر سرمایه‌ی اجتماعی نیز همچون پدیده‌ای نیرومند از طریق سطوح ماهوی (ایجاد شبکه‌های اعتماد و پیوند مستحکم و نیرومند کنشگران) زمینه‌ی

ایجاد توسعه‌ی پایدار را فراهم می‌آورد.

رضازاده و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان نقش رویکرد دارایی - مبنا در توسعه‌ی پایدار محلی مطالعه موردی: محله امامزاده حسن تهران، به بررسی نقش رویکرد دارایی - مبنا در توسعه‌ی پایدار محلی از دو جنبه‌ی کالبدی و اجتماعی پرداخته‌اند. در این پژوهش، رابطه‌ی معنادار بین سرمایه‌های محلی و پایداری محلی تأیید شده است. همچنین نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر شاخص‌های توسعه‌ی پایدار محلی و سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی در این مطالعه نشان می‌دهد سرمایه‌ی اجتماعی در دستیابی به توسعه‌ی پایدار محلی، عاملی است که به طور مستقیم بر تمایل به مشارکت سازمان‌یافته‌ی ساکنان (با ضریب ۰/۴۷۷) و کیفیت محیط کالبدی (با ضریب ۰/۳۶۹) تأثیرگذار است؛ در حالی که سرمایه‌ی کالبدی به واسطه سرمایه‌ی اجتماعی با ضریب ۰/۴۴۸ بر این دو عامل تأثیر دارد.

سؤال و فرضیه‌ی تحقیق

اصلی‌ترین سؤال‌ی که راهنما و زمینه‌ساز انجام این پژوهش گردید، این است که آیا سرمایه‌های اجتماعی موجود در اجتماعات محلی می‌تواند به دستیابی به توسعه‌ی پایدار محلی منجر گردد یا خیر؟

فرضیه‌ی مورد نظر تحقیق حاضر عبارت است از:

به نظر می‌رسد میان سرمایه‌های اجتماعی موجود در اجتماعات محلی و توسعه‌ی پایدار محلی ارتباط معناداری وجود دارد و سرمایه‌ی اجتماعی موجود در اجتماعات محلی می‌تواند منجر به پایداری توسعه‌ی محلی گردد.

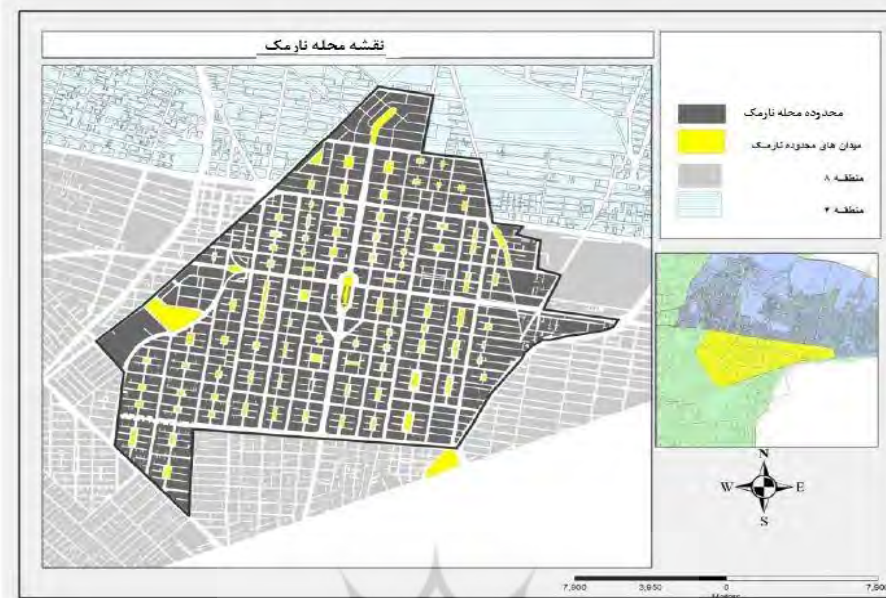
روش‌شناسی تحقیق

رویکرد حاکم بر تحقیق، رویکردی توصیفی - تحلیلی است؛ بدین صورت که از روش تحلیل داده‌های ثانویه (اسنادی) برای گردآوری اطلاعات در بخش‌های مبانی نظری و ادبیات مرتبط با تحقیق گردید؛ همچنین از روش‌های میدانی و پیمایشی مانند تهیه‌ی پرسش‌نامه در این پژوهش استفاده شده است. قلمرو مکانی تحقیق محله‌ی نارمک شهر تهران را در بر می‌گیرد و جامعه‌ی آماری شامل ساکنان محله‌ی نارمک می‌باشد. برای

برآورد حجم نمونه، از فرمول کوکران با سطح معناداری ۹۵ درصد استفاده شده است؛ بنابراین با استفاده از این فرمول ۳۸۳ نفر از ساکنان با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی برای توزیع پرسش‌نامه انتخاب شدند و در نهایت برای تشخیص وجود رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

محدوده‌ی مورد مطالعه

محله‌ی نارمک در منطقه‌ی ۸ شهرداری تهران قرار گرفته است. شرق و غرب آن به خیابان آیت و بزرگراه شرق تهران محدود است و شمال آن به بزرگراه رسالت و جنوب آن در مسیل باختر قرار گرفته است. این محله در سال ۱۳۸۵ دارای تعداد ۱۴۱۶۵۳ نفر جمعیت بوده است. محله‌ی نارمک در تهران را می‌توان مصداق بارزی از محله‌های دارای برنامه از پیش اندیشیده شده در دوران معاصر دانست که با گذشت حدود نیم قرن از احداث آن به لحاظ عملکردی و سکونتی و حرکتی به قوام نسبی رسیده است. در واقع محله‌ی نارمک یکی از اولین تجربه‌های شهرسازی مدرن در ایران شناخته می‌شود. از ویژگی‌های بارز این محله، وجود میدانچه‌های مرکزی است که نه تنها از نظر حرکت امکان مکث را فراهم می‌آورند، بلکه مجموعه‌ای از مراکز زیرمحله‌ای را به وجود آورده که هرکدام گروهی از ساختمان‌ها را به مثابه‌ی واحد همسایگی دور خود جمع کرده‌اند و روابط اجتماعی درون واحد همسایگی مستحکمی در محله‌ی نارمک وجود آورده‌اند.



نقشه ۱- محدوده‌ی مورد مطالعه

شاخص‌های تحقیق

شاخص‌ها می‌توانند به تصمیم‌های بهتر و کارکردهای مؤثرتری با ساده کردن، واضح کردن و در برداشتن مجموعه‌ای از اطلاعات موجود برای سیاست‌گذاران منجر شوند؛ بنابراین با توجه به موارد فوق، شاخص‌های زیر در قالب جدول (۱) برای انجام این پژوهش انتخاب شدند.

جدول شماره‌ی ۱- شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش

شاخص‌ها	مولفه	مفهوم
میزان باور بودن/ میزان قانون‌گرایی خود را چه مقدار ارزیابی می‌کنید؟	هنجارگرایی	سرمایه اجتماعی
به همسایه‌ها/ قومیت‌های دیگر محله/ کسبه محله/ شوراپاری/ شهرداری/ نیروی انتظامی و دولت چقدر اعتماد دارید؟	اعتماد	
برای مشارکت با نیروی انتظامی/ برنامه‌ریزان طرح‌های توسعه/ امور مالی شهر/ شورای محله/ شهرداری/ خدمات شهری چقدر علاقه‌مند هستید؟	مشارکت	

مفهوم	مولفه	شاخص‌ها	
	اتصال به شبکه	با چند نفر به عنوان شبکه‌های دوستی/کاری/آشنا به قوانین/ضمانت‌کننده‌ی وام ارتباط دارید؟	
	امنیت اجتماعی	احساس امنیت/میزان آمادگی نیروی انتظامی برای برقراری امنیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	
	انجام اجتماعی		برای حل مشکلات همسایه‌ها چقدر حاضرید زمان/پول خود را صرف کنید؟
			دلبستگی شما به همسایه‌ها/محیط محله/کوچه‌های محله در چه سطحی است؟
			چقدر تمایل دارید برای بهبود محله به صورت خودجوش هزینه‌ی همکاری کنید؟
			فضای سبز موجود در محله
توسعه پایدار محلی	هویت و سرزندگی	امکان خرید آسان نیازهای روزانه	
		وجود فضای مناسب برای پیاده‌روی	
		امکانات تفریحی جهت گذراندن اوقات فراغت	
	پویایی و سازگاری		پویایی مکان محله نسبت به کل مرکز شهر
			نمای ساختمان‌ها
			فضاهای بلااستفاده
			احساس امنیت
	تنوع		تغییر در شرایط اقتصادی خانوارها
			تنوع در انتخاب مسکن براساس ساختار جمعیتی
			تنوع در سیستم‌های مختلف حمل و نقل
			تغییر در سرانه‌ی مالکیت خودرو
			امکان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی
	دسترسی‌ها		فضای پارکینگ کافی
			وجود نظارت از ساختمان‌ها و بدون گوشه‌های خلوت
		مصونیت از رفت و آمد خودروها	
		کانال‌های دفع آبهای ناشی از بارندگی	

مفهوم	مولفه	شاخص ها
	ظرفیت قابل تحمل محله	نظافت و پاکیزگی محله
		توسعه زیرساخت‌ها و تجهیزات موجود در محله
		وجود سر و صدا در محله

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری تحقیق

سرمایه‌ی اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی، با وجود عمر کوتاهش، دارای دایره‌ی وسیعی از تعاریف و مفاهیمی چند سطحی و چند بعدی است که هر صاحب‌نظری به جنبه‌هایی از آن و گاه با تعابیر مخصوصی به آن اشاره کرده است. گروهی آن را به معنای "هنجارها و شبکه‌هایی که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌کند" دانسته‌اند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۳). برخی دیگر از صاحب‌نظران سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط، تعاملات و شبکه‌های اجتماعی که در میان افراد و گروه‌های اجتماعی وجود داشته و موجب گرمی روابط اجتماعی و تسهیل کنش اجتماعی می‌شود تعریف نموده‌اند (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۸). در واقع سرمایه‌ی اجتماعی زاده‌ی تعاملات انسان-ها و محصول آشنا بودن افراد با یکدیگر است که با گذر زمان رشد کرده، ارزشمندتر می‌شود؛ بنابراین، هیچ‌گاه در مالکیت فرد خاصی نیست و همواره در جریان است. از آنجا که کنش و واکنش‌های افراد در تعاملات جمعی صورت می‌گیرد؛ خانوارها، سازمان‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی، حاوی چنین سرمایه‌ای هستند. این سرمایه مانند سایر سرمایه‌ها، قابلیت تبدیل به گونه‌های دیگر سرمایه را داراست و در شرایط نیاز، به پوشش خلأهای اجتماعی، اقتصادی، محیطی و تکنولوژیک می‌پردازد (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۹-۱۰).

ریشه‌های ارتباط سرمایه‌ی اجتماعی با مسائل شهری را می‌توان در کتاب "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی" اثر "جین جکوبز" یافت. از دیدگاه وی، شبکه‌های اجتماعی، صورتی از سرمایه‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دهند که در ارتباط با بهبود زندگی در مقایسه با نهادهای رسمی مسؤولیت بیشتری را از خود نشان می‌دهند. در مقیاس

محله‌ای سرمایه‌ی اجتماعی شامل منابعی در اجتماعات محله‌ای است که از طریق حضور بالایی از اعتماد، عمل و کنش متقابل، هنجارهای مشترک رفتاری، تعهدات و التزامات و تعلقات مشترک، شبکه‌های رسمی و غیررسمی و کانال‌های مؤثر اطلاعات به وجود می‌آید. این سرمایه ممکن است به وسیله‌ی افراد و گروه‌ها به منظور تسهیل در خدمات‌رسانی به اجتماع مورد استفاده قرار گیرد (کی، ۲۰۰۵: ۱۶۲).

مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

در پژوهش حاضر کوشش شده است ترکیبی از تمامی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی استفاده شود؛ بنابراین چهار بعد اتصال به شبکه‌های اجتماعی، هنجارگرایی، اعتماد و مشارکت برای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی انتخاب شده‌اند.

اتصال به شبکه‌های اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی، ساختاری اجتماعی است که به سبب همبستگی میان اعضای گروه تشکیل می‌شود. این ساختارها براساس نوع، خصلت و توانایی‌های اعضا، گونه‌های مختلفی از قدرت را تشکیل می‌دهند. این قدرت هم وسیله‌ای برای حل مشکلات اعضا و هم عاملی برای جذب اعضای جدید به شمار می‌رود. از آنجایی که عضویت در شبکه‌های اجتماعی باعث کاهش مخاطرات حاصل از عدم اطمینان‌های محیطی است؛ به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی سرمایه‌ی اجتماعی به حساب می‌آید (فیلد؛ ۱۳۸۸: ۹). ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش اضطراب، افزایش اعتماد به نفس، دستیابی به موقعیت‌های اقتصادی، دستیابی به گروه همسالان و تسهیل فعالیت‌های روزانه، از جمله نتایج به دست آمده از اتصال به شبکه‌های اجتماعی است (شفیعا و شفیعا، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

اعتماد: نگرش مثبت میان اعضای شبکه را که به سبب شناخت و تعامل دوجانبه حاصل می‌گردد، اعتماد می‌دانند. اعتماد به عنوان قلب اصلی سرمایه‌ی اجتماعی، در حالی که وسیله‌ای برای ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی است، یکی از مهمترین اهداف آن نیز به حساب می‌آید (شفیعا، ۱۳۸۹: ۲۰۷). اعتماد باعث احساس امنیت، آرامش و تمایل به مشارکت می‌شود. اعتماد و جلب اعتماد به مثابه‌ی گریس اجتماعی فرض می‌گردد که چرخ

مبادلات اجتماعی و اقتصادی را روغن کاری کرده، در صورت نبود آن، تعاملات روزانه بسیار هزینه‌زا و سخت می‌گردد؛ بنابراین، ابعاد مختلف اعتماد، نشان دهنده‌ی روش‌های مختلف دستیابی به منابع است (فیلد، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

مشارکت: مشارکت به معنی تعهدی مشترک برای انجام فعالیتی معین است که در آن پیگیری اقدامات به صورت توافقی و آگاهانه صورت می‌گیرد. هر چند مشارکت دارای سطوح متفاوتی است، اما قرارگیری در هر یک از پله‌های این نردبان، دلیلی بر وجود سطحی از قدرت شهروندی و استعدادی برای شکل‌گیری تبادلات اجتماعی است (شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰: ۴۴). در این میان، مشارکت به عنوان یکی از نتایج با اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و محققان مختلف به دنبال ارزیابی آثار سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت‌پذیری مردمی بوده‌اند (فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۱۶۵). تنها عضویت در شبکه‌های اجتماعی، شرط لازم برای حل مشکلات و بهره‌برداری از فرصت‌های ناحیه‌ای نیست، بلکه وجود احساسی مشترک و تمایل برای مشارکت، بخش فعال‌کننده‌ی شبکه‌های اجتماعی است (فیلد، ۱۳۸۸: ۹).

هنجارگرایی: براساس نقدهای محتوایی وارد به روش‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی، در کنار کمیت‌های اندازه‌پذیر شبکه‌ها، ابعاد کیفی موجود در این ساختارهای اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی صرف نظر از مزایا و کاستی‌های آن، توجه عمومی به مباحث اخلاقیات مدنی و مردم‌سالاری را می‌طلبد. در این میان، هنجارگرایی به عنوان یکی از ابعاد کیفی، به ویژگی‌ها و اهداف آگاهانه در روابط گروه‌های اجتماعی اشاره دارد؛ بنابراین، اینکه سرمایه‌ی اجتماعی شکل گرفته تا چه اندازه با هنجارها و استانداردهای اخلاقی مرسوم جامعه مطابقت دارد، به عنوان هنجارگرایی شناخته می‌شود (شفیعا و شفیعیا، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

توسعه‌ی پایدار محلی

اندیشه‌ی توسعه‌ی پایدار بدین ترتیب شکل گرفت که رشد اقتصادی و توسعه‌ی اجتماعی در راستای کاهش سرمایه‌های زیست‌محیطی و نیازهای توسعه نباشد. بعدها

مشخص شد پایداری فقط در ارتباط با زیست‌بوم انسانی تعریف نمی‌شود و برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار لازم است مباحث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی به طور هم زمان مورد توجه قرار گیرد (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۹). در این راستا برای دستیابی به توسعه‌ی شهری پایدار، محلات به عنوان بنیادی‌ترین عناصر شهری نقشی اساسی دارند؛ چنانچه مؤسسه جوامع محلی پایدار معتقد است ریشه‌ی بسیاری از مسائل محیطی جهان در مسائل محلی است (روزلند، ۱۹۹۷a). "صرافی" نیز معتقد است محلات شهری هم شهروند را تعریف می‌کنند و هم به وسیله‌ی شهروند تعریف می‌شوند و در اداره‌ی آن‌ها شهروند و ابتکارات وی نقش اساسی دارد (صرافی، ۱۳۸۹).

از نظر "صرافی" فرآیند توسعه‌ای که در یک محله به بار نشیند، توسعه‌ی محله‌ای محسوب می‌شود؛ چنین توسعه‌ای تفاوت‌های آشکاری با روال کنونی توسعه‌ی ملی دارد. توسعه‌ی اجتماع محلی / محله‌ای عبارت است از پاسخگویی به نیازهای روزمره‌ی ساکنان یک محله شهر با حداکثر اتکا به منابع، توان، ارزش‌ها و مشارکت درونی آنها (صرافی، ۱۳۸۹). در این راستا توسعه‌ی محله‌ای بر پایه‌ی توسعه‌ی اجتماعات محله‌ای است که توان حل مشکلات را با اتکا به هم‌افزایی مجموعه سرمایه‌های طبیعی، کالبدی، انسانی و اجتماعی به دست می‌آورد یعنی توسعه‌ی محله‌ای بر پایه‌ی توسعه‌ی اجتماعات محلی به بار می‌نشیند و پایداری شهر را پایه‌گذاری می‌کند.

رویکردهای اصلی در توسعه‌ی محله‌ای

دو رویکرد اصلی در توسعه‌ی محله‌ای قابل بررسی است، رویکرد سنتی و رویکرد نو - عملکردی و انسانی. رویکرد سنتی، توسعه را مقوله‌ای می‌داند که از طریق عوامل مؤثر بیرونی صورت می‌پذیرد. این رویکرد به علایق مشترک و ارزش‌های حرفه‌ای معتقد است و در ماهیت خویش خردگراست. توجه خود را به محصول نهایی توسعه‌ی متمرکز می‌دارد و تنها بر نیازهای زیبایی‌شناختی طراح و یا مشتری تأکید می‌ورزد و از این رو تنها به ابعاد کالبدی توسعه می‌اندیشد. در دیگر سوی رویکرد انسانی به تمامی نیازهای انسانی می‌پردازد (چرمایف و الکساندر، ۱۹۶۳: ۱۳۵۳). همچنین به توسعه از درون توجه دارد و در

توسعه‌ی پایدار محیطی، به مشارکت بهره‌وران، کیفیت محیطی و کیفیت زندگی فردی و جمعی و خواست‌های مردم یا بهره‌برداران واقعی تأکید دارد (مطلبی، ۱۳۸۳: ۵-۳).

اصول و معیارها در پایداری محلی

در قالب نظریه‌ها و تجربیات موجود در مقیاس جهانی، اصول و معیارهای بسیاری را می‌توان برای توسعه‌ی پایدار در مقیاس شهر و محله مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از جمله این اصول و معیارها می‌توان به هویت و سرزندگی، پویایی و سازگاری، تنوع، دسترسی‌ها و ظرفیت قابل تحمل محیط اشاره کرد (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۸).

- هویت و سرزندگی

وضوح در درک از محله و سهولت در شناخت و برقراری پیوند بین عناصر و اجزاء آن با رویدادها و مکان‌ها را می‌توان در زمره‌ی هویت محله دانست. معنی محله با شکل فضایی و کیفیت آن در ارتباط مستقیم است، در حالی که وابستگی شدید به فرهنگ نیز دارد. محله‌ی با هویت، محله‌ای است که از سایر مکان‌ها و محله‌ها قابل تمیز باشد (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۶۷). خوانایی محله از جمله معیارهای هویت و پایداری محله‌ها به شمار می‌رود. محله‌ها و فضاهای شهری می‌توانند از ساختاری قابل درک برخوردار باشند. "چپ من" محله خوب و پایدار را محله‌ای می‌داند که سلامت ساکنان در آن تأمین باشد. از عوامل مؤثر در ایجاد سرزندگی در محله، وجود فضاهای عمومی مناسب است (چپ من، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

پویایی و سازگاری

همراه با زندگی انسان‌ها و زنده بودن طبیعت محله‌های شهری نیز با حالت ارگانیک و پویا سیر تاریخی خود را سپری می‌کنند. محله‌ها مکان تلاقی تعاملات و عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی هستند. تغییر در الگوی فعالیت‌ها، توزیع فضاهای باز، سبز و شبکه معابر و الگوی مالکیت از مواردی هستند که تداوم را می‌توان در آن‌ها دید. "بارتون" معتقد است همان‌گونه که تغییرات فوق‌گام می‌توانند به عنوان یک تهدید باشند، تکامل محله نیز در قالب آن‌ها ادامه دارد (بارتون و همکاران، ۲۰۰۳:

تنوع

می‌توان تنوع را در قالب اصول و معیارهای کارایی، سرزندگی و پایداری محله‌ها در نظر گرفت. به اعتقاد ویلر با رعایت این اصل، شرایط کالبدی محبه به گونه‌ای خواهد بود که نیازهای متنوع را پاسخگو باشد (ویلر، ۲۰۰۴: ۱۹۹).

دسترسی

حرکت در محله می‌تواند در قالب اهداف متنوع خود ابعاد مختلفی را در برگیرد. عمده‌ترین تفاوت حرکت و دسترسی در مقیاس محله در مقایسه با واحدهای بزرگتر از آن (نظیر شهر، منطقه و کشور) ارتباط محسوس و مستقیم آن با زندگی و خانوارهاست. دسترسی در محله تنها برای رفت و آمد نیست، بلکه می‌توان از آن فضایی با عملکردهای متنوع را نیز انتظار داشت. دسترسی‌ها می‌توانند فضایی برای لذت بردن از فرایند حرکت باشند (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۹).

ظرفیت قابل تحمل محله

به گونه‌ای که در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم باشد، به عنوان یک اصل در برنامه‌ریزی محلی می‌تواند راهنمای تصمیم‌گیری در راستای توسعه‌ی پایدار باشد. بارتون ظرفیت قابل تحمل محله را در قالب ارزیابی مواردی چون توان محله در ارائه‌ی خدمات، ویژگی مخاطبان و میزان پاسخگویی و کفایت خدمات می‌داند (بارتون و همکاران، ۲۰۰۳: ۲۰۷).

کاربرد سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی محله‌ای (رویکرد دارایی - مبنا)

در رویکرد دارایی مبنا که تأکید بر دمکراتیزه کردن جامعه از طریق تکثرگرایی سیاسی، تمرکززدایی مسئولیت‌ها، درگیر ساختن سطوح محلی، مشارکت آحاد مردم در زندگی اجتماعی و نهادینه شدن آن با توسعه‌ی نهادهای مدنی و گسترش فرهنگ مدنی است، اساس اجتماعات محله‌ای را بر دارایی‌های آنها قرار می‌دهد؛ حال اگر رویکرد ثانویه یا همان رویکرد نیاز مبنا را که متأثر از سیاست استحقاق بوده و با رویکردی از بالا به پایین نیاز اجتماعات محلی را مبنایی برای توسعه‌ی آنها می‌داند، در کنار رویکرد اولی قرار

دهیم، ویژگی‌های برتر رویکرد دارایی مبنا آشکار می‌شود. رویکرد دارایی – مبنا بر ظرفیت‌سازی تکیه دارد؛ به همین دلیل است که سین معتقد است فرایندگرا، جامع‌نگر و واجد اهمیت ابزاری است مباحث مربوط به دارایی‌های اجتماع محلی، نوعاً سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی کالبدی را شامل می‌شود. دیدگاه دارایی – مبنا جامع‌نگر بوده و به انسجام رفاه "مردم" و "مکان" تمایل دارد در مقابل آن دیدگاه نیاز – مبنا بین این دو گونه رفاه تمایز قائل می‌شود. دیدگاه دارایی – مبنا بر فرایند تأکید می‌کند و با بسیج دارایی‌های محلی نظیر سرمایه اجتماعی و کالبدی موجب ظرفیت‌سازی می‌شود که سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی کالبدی، عوامل شتاب دهنده برای ظرفیت‌سازی هستند. برعکس دیدگاه نیاز – مبنا آن گونه که بیان شد، استحقاق را مبنای توسعه قرار می‌دهد و آن را به خودی خود یک هدف قلمداد می‌نماید. پیامدگرا بوده و از این جهت دارای اهمیت درونی است.

یافته‌ها

آمار توصیفی

۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان زنان و باقی را مردان تشکیل می‌دهند. نتایج پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که ۶۲ درصد از ساکنان محله‌ی نارمک متولد تهران و ۳۸ درصد متولد سایر شهرستان‌ها بوده‌اند. از این آمار می‌توان چنین استنباط کرد که بخش عمده‌ای از ساکنان نارمک با شناخت نسبتاً کافی از مناطق تهران و با داشتن گزینه‌ی انتخاب در مناطق مختلف شهر، محله نارمک را آگاهانه برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند. همچنین درباره‌ی مدت اقامت ساکنان، نتایج پرسشنامه بدین صورت است که؛ ۷۸ درصد از ساکنان دارای سابقه‌ی سکونت بیش از ده سال، (۲۳ درصد کمتر از ده سال، ۲۱ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۲۱ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال و ۳۵ درصد بیش از ۳۰ سال) در محله نارمک بوده‌اند.

حدود ۴۳ درصد پاسخ‌دهندگان تحصیلات زیر دیپلم، ۳۴ درصد کارشناسی، کارشناسی ارشد ۱۸ درصد و دکترا ۵ درصد را دارا بودند؛ بنابراین سطح تحصیلات در محله در سطح نسبتاً بالایی ارزیابی می‌شود.

سرمایه‌ی اجتماعی

نتایج پرسشنامه در مورد هر کدام از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی شرایط زیر را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۲- توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس شاخص هنجارگرایی

گویه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
میزان یاور بودن و قانون‌گرایی	۰/۲۷	۰/۳۴	۰/۲۴	۰/۱	۰/۰۵

جدول شماره‌ی ۳- توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس شاخص اعتماد

گویه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
به همسایه‌ها	۰,۱۵	۰,۲۴	۰,۳۸	۰,۱۳	۰,۱۰
قومیت‌های دیگر محله	۰,۱۴	۰,۲۰	۰,۳۱	۰,۲۵	۰,۱۵
کسبه‌ی محله	۰,۱۹	۰,۲۴	۰,۳۰	۰,۱۲	۰,۰۹
شورایاری	۰,۱۶	۰,۲۱	۰,۳۹	۰,۱۷	۰,۰۷
شهرداری	۰,۱۳	۰,۱۷	۰,۲۶	۰,۲۶	۰,۰۸
نیروی انتظامی	۰,۱۸	۰,۲۷	۰,۳۱	۰,۱۴	۰,۱۰
دولت	۰,۰۸	۰,۱۳	۰,۲۵	۰,۲۷	۰,۲۷

جدول شماره‌ی ۴- توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس شاخص مشارکت

گویه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
نیروی انتظامی	۰,۲۷	۰,۳۰	۰,۴۰	۰,۰۸	۰,۰۵
برنامه‌ریزان طرح‌های توسعه	۰,۲۰	۰,۲۱	۰,۲۷	۰,۱۸	۰,۱۴
امور مالی شهر	۰,۱۲	۰,۱۴	۰,۱۷	۰,۳۴	۰,۲۳
شورای محله	۰,۱۸	۰,۲۴	۰,۳۲	۰,۱۵	۰,۱۱
شهرداری	۰,۱۷	۰,۲۲	۰,۲۹	۰,۲۴	۰,۲۰
خدمات شهری	۰,۲۴	۰,۳۱	۰,۳۷	۰,۰۸	۰

جدول شماره‌ی ۵- توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس شاخص اتصال به شبکه

گویه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
------	------------	------	-------	----	----------

شبکه‌های دوستی	۰,۲۲	۰,۲۶	۰,۳۰	۰,۱۲	۰,۱۰
کاری	۰,۱۷	۰,۲۰	۰,۲۰	۰,۲۳	۰,۲۰
آشنا به قوانین	۰,۱۸	۰,۲۴	۰,۳۲	۰,۱۵	۰,۱۱
ضمانت‌کننده‌ی وام	۰,۱۵	۰,۲۴	۰,۳۸	۰,۱۳	۰,۱۰

جدول شماره ۶- توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس شاخص امنیت اجتماعی

گویه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
احساس امنیت	۰,۲۶	۰,۳۰	۰,۳۲	۰,۱۰	۰,۰۲
میزان آمادگی نیروی انتظامی برای برقراری امنیت	۰,۲۵	۰,۳۲	۰,۳۸	۰,۱۰	۰,۰۵

جدول شماره ۷- توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس شاخص انسجام اجتماعی

گویه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
برای حل مشکلات همسایه‌ها چقدر حاضرید زمان/پول خود را صرف کنید؟	۰,۱۸	۰,۲۵	۰,۳۰	۰,۱۳	۰,۰۸
دل بستگی شما به همسایه‌ها/محیط محله/کوچه‌های محله در چه سطحی است؟	۰,۲۹	۰,۳۲	۰,۲۴	۰,۱	۰,۰۵
چقدر تمایل دارید برای بهبود محله به صورت خودجوش هزینه یا همکاری کنید؟	۰,۲۰	۰,۳۱	۰,۳۷	۰,۰۸	۰,۰۴

بر اساس نتایج پرسشنامه در هر یک از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، میزان سرمایه‌ی اجتماعی شرایط مطلوبی را در محله‌ی نارمک دارد. مؤلفه‌ی هنجارگرایی با توجه به اینکه ۶۱ درصد گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد محله را به خود اختصاص داده است، مطلوب ارزیابی می‌شود. از لحاظ شاخص‌های مؤلفه‌ی اعتماد، وضعیت محله‌ی نارمک در شرایط نسبتاً مطلوبی است و تنها در شاخص اعتماد به دولت است که اکثر پاسخ‌دهندگان عدم اعتماد خود را نسبت به دولت اعلام کرده‌اند.

شاخص‌های مؤلفه‌ی مشارکت در محله‌ی نارمک به غیر از شاخص مشارکت با امور مالی شهر (با مجموع ۵۷ درصد گزینه‌های کم و بسیار کم) در وضعیت بالاتری از میانگین قرار دارند و ساکنان بیشترین میزان مشارکت خود را در ارتباط با خدمات شهری

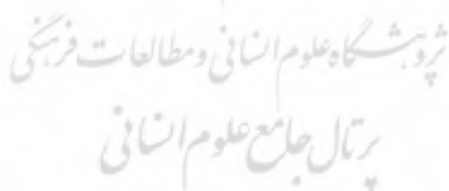
عنوان کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان به این نکته اشاره کرد که رعایت هنجارهای تسهیل‌کننده‌ی روابط همسایگی و بسترهای خودجوش مشارکت‌پذیری از خصوصیات اجتماعات محله‌ی نارمک است.

اتصال به شبکه‌های اجتماعی دوستی، کاری، ضمانتی و راهنمایی قانونی نیز مطلوب ارزیابی می‌شود؛ بنابراین، شبکه‌های اجتماعی که از موقعیت اقتصادی ساکنان حمایت می‌کنند، از موقعیت مورد قبولی برخوردارند و از آن‌ها اثرگذاری فهم اقتصادی بر خانوارهای محله انتظار می‌رود. با توجه به بالا بودن میزان شاخص‌های مؤلفه‌ی امنیت اجتماعی در محله، وضعیت محله از نظر این شاخص بسیار مطلوب ارزیابی می‌گردد.

در نهایت در بین شاخص‌های مؤلفه‌ی انسجام اجتماعی، شاخص دل‌بستگی و حس تعلق خاطر ساکنان به محله‌ی خود با مجموع ۶۱ درصد (گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد) نسبت به شاخص‌های دیگر این مؤلفه در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد که بیانگر بالا بودن میزان تعلق خاطر ساکنان به محیط زندگی خود می‌باشد.

توسعه‌ی پایدار محلی

نتایج پرسش‌نامه در مورد هر کدام از شاخص‌های توسعه‌ی پایدار محلی بیانگر بالا بودن نسبی میزان شاخص‌ها در محله‌ی نارمک است.



جدول شماره ۸- توزیع درصدی پاسخگویان بر اساس شاخص‌های توسعه‌ی پایدار محلی

بسیار نامناسب	نامناسب	متوسط	خوب	بسیار خوب	گویه
0.04	0.10	0.30	0.31	0.25	فضای سبز موجود در محله
0	0.15	0.31	0.30	0.24	امکان خرید آسان نیازهای روزانه
0.14	0.15	0.20	0.31	0.20	وجود فضای مناسب برای پیاده‌روی
0.08	0.12	0.32	0.29	0.19	امکانات تفریحی جهت گذراندن اوقات

					فراغت
0.12	0.13	0.31	0.24	0.20	پویایی مکان محله نسبت به کل مرکز شهر
0.10	0.09	0.30	0.27	0.24	نمای ساختمان‌ها
0.09	0.20	0.32	0.22	0.17	فضاهای بدون استفاده
0.06	0.05	0.32	0.30	0.27	احساس امنیت
0.13	0.15	0.32	0.24	0.16	تغییر در شرایط اقتصادی خانوارها
0.20	0.23	0.25	0.20	0.17	تنوع در انتخاب مسکن براساس ساختار جمعیتی
0.12	0.10	0.30	0.24	0.24	تنوع در سیستم‌های مختلف حمل و نقل
0.26	0.21	0.20	0.18	0.15	تغییر در سرانه‌ی مالکیت خودرو
0.04	0.10	0.25	0.31	0.30	امکان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی
0.26	0.24	0.21	0.17	0.12	فضای پارکینگ کافی
0.08	0.09	0.34	0.26	0.23	وجود نظارت از ساختمان‌ها و بدون گوشه‌های خلوت
0.10	0.14	0.37	0.21	0.18	مصونیت از رفت و آمد خودروها
0.10	0.12	0.34	0.30	0.24	کانال‌های دفع آبهای ناشی از بارندگی
0	0.07	0.30	0.33	0.30	نظافت و پاکیزگی محله
0.04	0.15	0.30	0.30	0.21	توسعه‌ی زیرساخت‌ها و تجهیزات موجود در محله
0.10	0.20	0.27	0.24	0.19	وجود سر و صدا در محله

براساس جدول بالا، شاخص‌های نظافت و پاکیزگی محله، احساس امنیت، فضای سبز محله و امکان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی از بالاترین میزان برخوردار است و شاخص‌های فضای مناسب برای پیاده‌روی، فضای کافی پارکینگ، تغییر در سرانه‌ی مالکیت خودرو از پایین‌ترین میزان برخوردار هستند. در مجموع وضعیت شاخص‌های پایداری محله‌ی نارمک از دید ساکنان مطلوب ارزیابی گردیده است.

آزمون فرضیات

با توجه به اینکه فرضیه‌ی تحقیق، به دنبال شناسایی روابط میان دو متغیر است، از آزمون

همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول شماره ۹- رابطه‌ی هنجارگرایی و توسعه‌ی پایدار محلی

		هنجارگرایی
توسعه‌ی پایدار محلی	Pearson Correlation	.936(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	383

همان‌گونه که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود نتیجه‌ی آزمون پیرسون نشان می‌دهد که مقدار پیرسون در این رابطه $0/936$ و جهت رابطه نیز مثبت است؛ همچنین میزان sig رابطه $0/00$ است که کوچکتر از $0/01$ است؛ بنابراین رابطه‌ی این دو متغیر از نظر آماری با سطح اطمینان 99% معنادار است پس فرضیه‌ی این تحقیق تأیید و فرضیه‌ی صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه رد می‌شود. نتیجه می‌گیریم که رابطه‌ی معناداری بین هنجارگرایی و توسعه‌ی پایدار محلی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۰- بررسی رابطه‌ی بین میزان مشارکت و توسعه‌ی پایدار محلی

		مشارکت
توسعه‌ی پایدار محلی	Pearson Correlation	.931(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	383

برای بررسی رابطه بین دو متغیر، با توجه به مقیاس متغیرها از آزمون پیرسون استفاده کردیم. نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه‌ی این دو متغیر از نظر آماری با سطح اطمینان بالای 99% درصد معنادار است ($sig = 0.00 < 01$) و فرضیه‌ی صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه رد می‌شود (جدول شماره ۱۰)؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم بین میزان مشارکت و توسعه‌ی پایدار محلی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۱- بررسی رابطه‌ی بین اتصال به شبکه و توسعه‌ی پایدار محلی

		اتصال به شبکه
توسعه‌ی پایدار محلی	Pearson Correlation	.937(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	383

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه‌ی این دو متغیر از نظر آماری با سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد معنادار است ($\text{sig}=0.00<01$) و فرضیه‌ی صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه رد می‌شود. (جدول شماره ۱۱)؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم بین اتصال به شبکه و توسعه‌ی پایدار محلی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۲- بررسی رابطه‌ی بین امنیت و توسعه‌ی پایدار محلی

		امنیت
توسعه‌ی پایدار محلی	Pearson Correlation	.924(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	383

همان‌گونه که در خروجی جدول شماره ۱۲، مشاهده می‌شود نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه‌ی این دو متغیر از نظر آماری با سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است؛ بنابراین فرض وجود رابطه بین این متغیرها تأیید می‌شود. پس نتیجه می‌گیریم که رابطه‌ی معناداری بین امنیت و توسعه‌ی پایدار محلی وجود دارد.

جدول شماره ۱۲- بررسی رابطه‌ی بین انسجام و توسعه‌ی پایدار محلی

		انسجام
توسعه‌ی پایدار محلی	Pearson Correlation	.935(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	383

همان‌گونه که در خروجی جدول شماره ۱۲، مشاهده می‌شود نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که رابطه‌ی این دو متغیر از نظر آماری با سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است؛ بنابراین فرض وجود رابطه بین این متغیرها تأیید و فرض عدم وجود رابطه تأیید می‌شود. پس نتیجه می‌گیریم که رابطه‌ی معناداری بین انسجام و توسعه‌ی پایدار محلی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۳- بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی

		سرمایه‌ی اجتماعی
توسعه‌ی پایدار محلی	Pearson Correlation	.942(**)
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	383

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۱۳، مشاهده می‌شود نتیجه آزمون پیرسون نشان می‌دهد که مقدار پیرسون در این رابطه $0/942$ و جهت رابطه نیز مثبت است؛ همچنین میزان sig رابطه $0/00$ است که کوچکتر از $0/01$ است بنابراین رابطه‌ی این دو متغیر از نظر آماری با سطح اطمینان 99% معنادار است پس فرضیه‌ی این تحقیق تأیید و فرضیه‌ی صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه رد می‌شود. پس نتیجه می‌گیریم که رابطه‌ی معناداری بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی رابطه وجود دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

توسعه‌ی پایدار دارای ابعاد و مؤلفه‌های متفاوتی است؛ ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی، ابعاد متفاوت توسعه‌ی پایدار را تشکیل می‌دهند. در بعد محیطی، مسأله‌ی سرمایه‌ی طبیعی، در بعد اقتصادی سرمایه‌ی فیزیکی و در بعد اجتماعی سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین توجه به بحث سرمایه‌ی اجتماعی، در حقیقت توجه به یک بعد بسیار مهم از توسعه‌ی پایدار است. امروزه اعتقاد بر این است که بعد اجتماعی و مؤلفه‌های نهادی توسعه‌ی پایدار بویژه نهادها و سرمایه‌ی اجتماعی، اهمیت خاصی را در فرایند رشد اقتصادی و توسعه‌ی پایدار دارند.

به طور کلی در این پژوهش هدف اصلی بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی پایدار محلی در محله‌ی نارمک بود. در راستای این هدف، تعاریف مفهومی و عملیاتی خاصی از سرمایه‌ی اجتماعی و پایداری محلی که مورد توافق بسیاری از صاحب‌نظران است، مبنای تدوین پرسشنامه قرار گرفت. نتایج و یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سرمایه‌ی اجتماعی با توسعه‌ی پایدار محلی در ارتباط مثبت و معناداری قرار دارد. تقویت هرچه بیشتر اعتماد و افزایش فرصت برای اتصال ساکنان به شبکه‌های اجتماعی مورد تأکید آزمون‌های همبستگی برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار محلی است.

در بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی، ارتباط بین تک تک مؤلفه‌ها با توسعه‌ی پایدار مورد تأیید قرار گرفت. در واقع مطلوب بودن وضعیت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی سبب تأیید ارتباط معنادار

و مثبت سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی پایدار محلی شده است. ارتباط بین تمامی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی با سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفت و در نهایت بین دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار محلی ارتباط معنادار با سطح ۹۹ درصد تأیید گردید.

همچنین نتایج تحقیق بیانگر این است که سرمایه‌ی اجتماعی در محله‌ی نارمک در سطح بالایی قرار دارد و مؤلفه‌های اعتماد و اتصال به شبکه‌های اجتماعی عامل این نتیجه هستند. در این میان، اعتماد به قومیت‌های دیگر، شورایاری، شهرداری فعالان اقتصادی محله و اتصال به شبکه‌های اجتماعی که موقعیت کاری و اقتصادی خانوارها را ضمانت می‌کنند، موقعیت مطلوبی را به نمایش می‌گذارند؛ بنابراین اعتماد به نهادهای مؤثر بر پایداری محله، عدم وجود شکاف‌های قومی - نژادی، مشارکت بالای ساکنان محله و وجود انسجام مطلوب در بین ساکنان محله، توصیفی دقیق از محله‌ی مورد بررسی است.



منابع

- الوانی، سید مهدی، سیدنقوی، میرعلی. (۱۳۸۱). سرمایه‌ی اجتماعی و مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت، شماره‌ی ۳۳ و ۳۴، دانشگاه علامه‌ی طباطبائی.
- پیران، پرویز و همکاران. (۱۳۸۵). کارپایه‌ی مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه‌ی اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره‌ی ۲۳.
- تاج‌بخش، کیان. (۱۳۸۴). کاربرد نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در تأمین اجتماعی، اولین سمپوزیوم سرمایه‌ی اجتماعی و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- چپ‌من، دیوید. (۱۳۸۴). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت، ترجمه‌ی شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات آگاه.
- چرمایف، سرج و کریستوفر الکساندر. (۱۳۶۳). عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی، به جانب یک معماری انسانی، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی‌پور، خلیل. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهر پایدار، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۲۶، تابستان، تهران.
- رضازاده و همکاران. (۱۳۹۲). نقش رویکرد دارایی - مبنا در توسعه‌ی پایدار محلی؛ مطالعه موردی: محله امامزاده حسن تهران، فصلنامه‌ی باغ نظر، شماره‌ی ۲۵، سال دهم، تهران.
- رضویان، محمدتقی. (۱۳۸۱). مدیریت عمران شهری، تهران: انتشارات پیوند نو.
- شریفیانی ثانی، مریم. (۱۳۸۰). مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۸.
- شفیعا، محمدعلی، شفیعا، سعید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی توسعه‌ی پایدار اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی نمونه‌ی موردی: ساکنان محله‌ی غیر رسمی شمیران نو، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره‌ی ۴۶، تهران.
- صراف‌ی، مظفر. (۱۳۷۹). شهر پایدار چیست؟، مجله‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۴.
- صراف‌ی، مظفر. (۱۳۸۹). توسعه‌ی اجتماع محلی، برگرفته از سایت www.msarrafi.com
- عارفی، مهیار. (۱۳۸۰). به سوی رویکرد دارایی - مبنا برای توسعه‌ی اجتماع محلی، ترجمه‌ی

- نوین تولایی، مجله‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۱۰.
- عزیز، محمدمهدی. (۱۳۸۵). *مجله‌ی مسکونی پایدار؛ مطالعه موردی: نارمک*، مجله‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۲۷.
 - غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). *سنجش سرمایه‌ی اجتماعی*، مجموع مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه‌ی اجتماعی و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
 - فیلد، جان. (۱۳۸۸). *سرمایه‌ی اجتماعی*، تهران: انتشارات کویر.
 - لینچ، کوین. (۱۳۷۶). *تئوری شکل خوب شهر*، ترجمه‌ی سیدحسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - مطلبی، قاسم. (۱۳۸۳). *رویکرد انسانی به توسعه‌ی پایدار محله‌ای*، مجموع مقالات اولین همایش توسعه‌ی محله‌ای، چشم‌انداز توسعه‌ی پایدار شهر تهران، شهرداری تهران.
 - موسوی، سیداحمد. (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی توسعه‌ی محله‌ای با تأکید بر سرمایه‌ی اجتماعی*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، دانشکده‌ی هنر دانشگاه تربیت مدرس.
 - موسوی، میرنجف، قنبری، حکیمه، اسماعیل زاده، خالد. (۱۳۹۱). *تحلیل فضایی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری*، مورد: شهرهای استان آذربایجان غربی، مجله‌ی جغرافیا و توسعه، شماره‌ی ۲۷.
 - هودسن، هانی. (۱۳۸۴). *توسعه‌ی محله‌ای پایدار (مفاهیم نظری و خاستگاه تاریخی)*، سمینار کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌ی هنر.
 - Barton, H. et al. (2003). *Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality*. London and New York: Spon Press.
 - Fridman, John. (1993), "Toward a Non-Euclidian Mode of Planning-APA Journal", autumn ° 482.
 - Key, A, (2005), *Social capital, the social economy and community development*, Oxford University press and community. Development journal. Advance Access publication 15 Feb: 162.
 - Roseland, M. (1997a). *Toward Sustainable Communities. Resources of Citizens and their Governments*. Gabriola Island. BC: New Society Publishers.
 - Madanipour, A. (2001), "How relevant is planning by neighborhoods today?", in *Town Planning Review*, 72 (2).
 - Wheeler, Stephan M. (2003), *planning for sustainability*, Routledge, lndon and New York



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی